

بسمه تعالی

عنوان مقاله

بررسی نقش طلاب در گرایش اعضای خانواده به فهم مفاهیم دینی

گرد آورندگان:

فاطمه قنبری

زهرا قنبری - بصیری

زمستان 1399

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست مطالب

1	چکیده
3	مقدمه
5	تعریف و تبیین موضوع
6	اهمیت و ضرورت تحقیق
15	جامعه ی مخاطب
18	تشکل و سازماندهی
23	تبلیغ سنتی
29	نتیجه
30	منابع

خانواده یک نهاد اجتماعی کوچکی است که از زن و مرد تشکیل شده است. خانواده مناسب ترین جایگاه برای تأمین نیازهای انسان و بهترین بستر برای تأمین امنیت و آرامش روانی است. در هر جامعه، نهادهای گوناگونی وجود دارد که بقای جامعه بسته به آنهاست. خانواده یکی از این نهادهای مهم است.

مراجع تقلید، روحانیون صالح و مجتهدان پارسا به عنوان متخصصان و کارشناسان دینی از دیر باز به عنوان منادیان و مروجان فرهنگ و هویت دینی و حافظان و پاسداران همیشگی اسلام و قرآن بوده اند.

اساس یک جامعه سالم را خانواده‌های سالم می‌سازد. هر فردی در خانواده‌ای به دنیا می‌آید، بزرگ می‌شود و تکامل می‌یابد. این خانواده سالم است که انسان سالم پرورش می‌دهد. خانواده سالم، خانواده‌ای است که به نیازهای همه‌جانبه اعضای خود در گستره حیات توجه دارد و سعی می‌کند به انتظارات و نیازهای آنان به شیوه‌های درست پاسخ دهد. خانواده سالم، خانواده‌ای است که در اندیشه پرورش انسان‌های رشید است و انسان‌های رشید، کسانی هستند که به رشد همه جانبه نایل شده‌اند. بدیهی است برای نایل شدن به رشد همه جانبه، توجه به نیازهای همه جانبه و آموزش همه جانبه ضروری است.

روحانیت شیعه این افتخار را دارد که همواره سنگر نشین دفاع از حقیقت دین اسلام ناب. در عرصه های مختلف در برابر انواع تهاجم باشد این ارثی است که روحانیت از اهل بیت (ع) برده است. یکی از برجسته ترین ابعاد سیره ی اهل بیت تکنیک تبدیل تهدیدها به فرصت ها است. باتوجه به اینکه خانواده رکن اساسی اجتماع و زیر بنای تربیت، اخلاق، آداب و سنن جامعه است. از نظر اسلام، خانواده از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. اگر باور داشته باشیم خانواده کانون اصلی آموزش و تربیت نسل های آینده است و طلبه به عنوان مدرسه ای و مکتبی برای رقم زدن به آرمان ها، راهبردها و راهکارهای یک فعال فرهنگی محسوب می شود، باید برای آموزش علوم رایج در کسب مراتب و معارف کوشا باشد و در فهماندن مفاهیم دینی در خانواده تاثیر بسزایی داشته باشد.

در بحث خانواده رفتار طلاب در منزل می تواند در گرایش اعضای خانواده به فهم مفاهیم دینی تاثیر گذار باشد. بنابراین همه اهداف تربیتی و ویژگی های طلبه موفق درسه عنوان تفقه، تقوا و کارآمدی اجتماعی خلاصه می شود.

طلبه با دعا، ذکر و مناجات انس پیدا کند و زندگی خود را یک زندگی دینی محض کند. طلبه باید دل خود را پاک و صاف کند. تا وقتی در مقابل انوار معرفت و توفیقات الهی قرارگرفت، تالّوء پیدا کند.

طلبه باید بانیت خالص وارد میدان شود. هر جا که شما ملاحظه می کنید توفیقاتی وجود دارد. با این اخلاص هاست و خدای متعال زود جواب می دهد.

ما باید آنچه را که در گذشته، در این زمینه های روحانی، یا به تعبیر شاید رساتر، زمینه های ملایی و آخوندی داشتیم، تقویت بکنیم. آنچه را که قبلا بوده، نباید بگذاریم از دست برود؛ بلکه باید آن را بیشتر بکنیم. من گمان می کنم که الان در این زمینه، کمبود داریم .

مبلغان دین، باید قدر و ارج این نعمت الهی را بدانند و از آن، به بهترین وجه، برای ارشاد خانواده و جامعه بهره جویند. در هیچ دیانت و شریعتی، چونان مذهب شیعی، بستری چنان آماده و مهیا برای تبلیغ دین فراهم نبوده و نیست. این کرامت الهی که ره آورد قیام پاکبازانه و مظلومانه ی سید الشهداء و خاندان و اصحاب اوست، باید مورد توجه باشد و از آن، به بهترین شکل بهره برداری شود:

نعمت مجالس عزا و محرم و عاشورا، برای جامعه ی شیعی ماست . این نعمت به این عظمت، دلها را به منبع جوشش ایمان اسلامی متصل می کند. کاری می کند که در طول تاریخ، ستمگران حاکم، از عاشورا و قبر امام حسین (ع) ترسیده اند. این ترس، از زمان خلفای بنی امیه شروع شده و الی زمانها، ادامه یافته است.

شما یک نمونه اش را در دوران انقلاب خودمان دیدید. وقتی که محرم شد، دستگاه و نظام مرتجع کافر فاسق فاسد پهلوی، دیگر دید دستش بسته است و کاری نمی تواند انجام بدهد. فهمیدند دیگر محرم شده است. در گزارشهای بازمانده از آن رژیم منحوس، اشارتها و بلکه صراحتهایی وجود داشت که نشان می داد آنها با آمدن محرم، دست و پایشان را حسابی گم کرده اند.

امام بزرگوار ما (رضوان الله علیه) آن مرد حکیم تیزبین دین شناس دنیا شناس انسان شناس خوب فهمید که از این حادثه، برای پیشبرد هدف امام حسین (ع)، چگونه بایستی استفاده کند و کرد. محرم را به عنوان ماهی که خون بر شمشیر پیروز می شود، معرفی کرد و با همین تحلیل و منطق، به برکت ماه محرم، خون را بر شمشیر پیروز کرد. این، یک نمونه اش است که شما دیدید. از این، باید استفاده کرد. مردم و روحانیون هم، باید استفاده کنند .

این نعمت بی بدیل تبلیغی، نباید بسادگی از کف برود و تنها در حد احیای یک سنت، محدود و متوقف بماند. جریان خود جوش تبلیغی در این ایام سوز و گداز، بستری بس نایاب و بی مانند برای تبلیغ و ارشاد و هدایت فکری جامعه است؛ فرصتی که در هیچ کیش و آیین، این گونه برایگان و راحت، در اختیار مبلغان قرار نگرفته و نمی گیرد. باید قدر آن را شناخت و برای آن، برنامه ریزی مناسب کرد.

طلبه به عنوان مبلغ دین، نباید جذابیت سخن را در عجایب و غرایب بدانند؛ با احادیث شگفت، بخواهد سخن و نوشته ی خود را رنگ و جلا دهد و مستمع را حیرت زده و انگشت به دهان کند. این شگردها، حتی اگر نگاه و گوش مستمع عاقل و نکته سنج امروزی را به خود متوجه کند؛ اما دل او را با سخن مبلغ همراه نخواهد کرد:

این طور نباشد که ما بالای منبر برویم که یک مقدار لفاظی کنیم و حرف بزنییم و یا احیاناً اگر مطلبی را هم ذکر می کنیم، مطلب سستی باشد که نه فقط ایمان را زیاد نمی کند، بلکه ایمانها را هم ضعیف می کند. این هم اگر شد، ما به فواید و مقاصد از این جلسات نرسیده ایم و من به شما عرض بکنم که متأسفانه، گاهی چنین مواردی دیده می شود.

گاهی مشاهده می شود که یک گوینده، در مجلسی مطلبی را نقل می کند که هم از لحاظ استدلال و پایه ی مدرک عقلی یا نقلی سست است و هم از لحاظ تأثیر در ذهن یک مستمع مستبصر و اهل منطق و استدلال، ویرانگر است... یک نفر، چیزی را از زبانی شنیده است، ...

نسبت روحانیت با نظام اسلامی، نسبت روشنی است. نسبت روحانیت و حوزه های علمیه با نظام اسلامی، نسبت حمایت و نصیحت است. این را توضیح خواهم داد. حمایت در کنار نصیحت، دفاع در کنار اصلاح. آن دو مفهوم غلط، حقیقتاً انحرافی و خصمانه است؛ به دلیل اینکه اولاً حکومت آخوندی و نسبت دادن جمهوری اسلامی به این مفهوم، حرف دروغی است. جمهوری اسلامی حکومت ارزشهاست، حکومت اسلام است، حکومت شرع است، حکومت فقه است، نه حکومت افراد روحانی. روحانی بودن کافی نیست برای اینکه کسی سلطه ی حکومتی پیدا کند. جمهوری اسلامی با حکومت های روحانی که در دنیا می شناسیم، در گذشته هم بوده است، امروز هم در نقطه هایی از دنیا هست، ماهیتاً متفاوت است. حکومت جمهوری اسلامی، حکومت ارزشهای دینی است. ممکن است یک روحانی ارزشهایی را حائز باشد که از بسیاری از روحانیها برتر باشد؛ او مقدم است؛ اما روحانی بودن هم موجب نمی شود که از کسی سلب صلاحیت شود. نه به تنهایی روحانی بودن صلاحیت آور است، نه روحانی بودن موجب سلب صلاحیت است. حکومت دین است، نه حکومت یک صنف خاص و یک مجموعه ی خاص. تقسیم روحانی به حکومتی و غیر حکومتی و ارزش و ضد ارزش قلمداد کردن اینها هم یک غلط فاحش است. رفتن به سمت حکومت و رفتن به سمت هر چیزی غیر از حکومت، اگر برای دنیا شد، بد است؛ اگر برای هوای نفس شد، بد است؛ مخصوص رفتن به سمت حکومت نیست. ما به سمت هر هدفی حرکت کنیم که مقصودمان هوای نفس باشد، مقصودمان منافع شخصی باشد، این ضد ارزش است؛ این همان مصداق دخول در دنیا است که فرمود: «الْفَقِهَاءُ اِمْنَاءُ الرَّسْلِ مَا لَمْ يَدْخُلُوا فِي الدُّنْيَا»؛ این مخصوص رفتن به سمت حکومت نیست. اگر هدف، دنیا است، مردود است؛ حکومت و غیر حکومت ندارد؛ اما اگر رفتن به سمت حکومت با هدف معنوی است، با هدف الهی

است، این از برترین مصادیق امر به معروف و نهی از منکر است؛ از برترین مصادیق مجاهدت است؛ این قبول مسئولیتهای سنگین است، یا دفاع از مسئولان صاحب صلاحیت است. اگر روحانی حکومتی به آن کسی گفته میشود که برای ادای دین خود، برای ادای مسئولیت شرعی خود، برای خاطر خدا از نظام اسلامی حمایت می کند یا از مسئولینی حمایت می کند، این ارزش است، این ضد ارزش نیست؛ نداشتن این حالت، ضد ارزش است. پس هیچکدام از این دو مفهوم - نه مفهوم حکومت روحانی و حکومت آخوندی، و نه مفهوم آخوند حکومتی، روحانی حکومتی - مفاهیم درستی نیست. طرح اینها پس از انقلاب و تشکیل نظام اسلامی، یک طرح مغالطه آمیز است؛ این مفاهیم متعلق به فرهنگ این انقلاب نیست.

اما متقابلاً دو حقیقت و دو مفهوم دیگر وجود دارد که آنها مفاهیم ارزشی و ارزش آفرین است. یک مفهوم این است که نظام به لحاظ نظری و علمی محتاج علمای دین و حوزه های علمیه و مستظهر به تلاش علمی آنهاست. نظام متکی به حوزه های علمیه است؛ متکی به علما، برجستگان و صاحب نظران دینی است. یک مفهوم دیگر هم این است که حوزه و روحانیت نسبت به نظام دینی بی تفاوت نیست. هیچ روحانی، هیچ عالم دینی، هیچ خادم اسلامی نمی تواند نسبت به نظامی که بر اساس اسلام پدید آمده است، با انگیزه های اسلام حرکت کرده است و کار میکند، بی تفاوت باشد؛ نمی تواند خود را بیگانه به حساب بیاورد. این هم یک حقیقت دیگر است.

آن حقیقت اول که گفتیم نظام مستظهر به حوزه های علمیه است، به خاطر این است که نظریه پردازی سیاسی و نظریه پردازی در همه ی جریانهای اداره ی یک ملت و یک کشور در نظام اسلامی به عهده ی علمای دین است. آن کسانی میتوانند در باب نظام اقتصادی، در باب مدیریت، در باب مسائل جنگ و صلح، در باب مسائل تربیتی و مسائل فراوان دیگر نظر اسلام را ارائه بدهند که متخصص دینی باشند و دین را بشناسند. اگر جای این نظریه پردازی پر نشد، اگر علمای دین این کار را نکردند، نظریه های غربی، نظریه های غیردینی، نظریه های مادی جای آنها را پر خواهد کرد. هیچ نظامی، هیچ مجموعه ای در خلأ نمیتواند مدیریت کند؛ یک نظام مدیریتی دیگری، یک نظام اقتصادی دیگری، یک نظام سیاسی دیگری که ساخته و پرداخته ی اذهان مادی است، می آید جایگزین می شود؛ همچنان که در آن مواردی که این خلأها محسوس شد و وجود داشت، این اتفاق افتاد.¹²

1- بیانات مقام معظم رهبری، تکنیک و قالب تبلیغ

خانواده یک نهاد اجتماعی کوچکی است که از زن و مرد تشکیل شده است. اساس یک جامعه سالم را خانواده‌های سالم می‌سازد. هر فردی در خانواده‌ای به دنیا می‌آید، بزرگ می‌شود و تکامل می‌یابد. این خانواده سالم است که انسان سالم پرورش می‌دهد. خانواده سالم، خانواده‌ای است که به نیازهای همه‌جانبه اعضای خود در گستره حیات توجه دارد و سعی می‌کند به انتظارات و نیازهای آنان به شیوه‌های درست پاسخ دهد. خانواده سالم، خانواده‌ای است که در اندیشه پرورش انسان‌های رشید است و انسان‌های رشید، کسانی هستند که به رشد همه جانبه نایل شده‌اند. بدیهی است برای نایل شدن به رشد همه جانبه، توجه به نیازهای همه جانبه و آموزش همه جانبه ضروری است.

طلبه باید بنیت خالص وارد میدان شود. هر جا که شما ملاحظه می‌کنید توفیقاتی وجود دارد، باین اخلاص هاست و خدای متعال زود جواب می‌دهد. "وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الْقُرْآنَ قَرِيبَ الْمَسَافَةِ" اگر انسان یک قدم برای خدا بردارد، خدای متعال آنچنان زود جوابش را می‌دهد که خود انسان متحیر می‌شود. جواب الهی چیست؟ یک پاکت پول زیرمکتای آدم؟ نه، جواب خدای شوقی است که در دل شما می‌اندازد، آن نوری است که در دل شما می‌افروزد. آن قبولی است که آن رابه شما حالی می‌کند، آن چهره نورانی الوهیتی است که آن رابه دل و چشم باطن شما نشان می‌دهد. بحث معنویت و قداست هم بحث مهمی است. فرق اصلی ما با بقیه کسانی که مدعی در عالم دارند، در همین هدف مقدس است. ما می‌خواهیم برای خدا، برای دین خدا، برای رضای خدا و برای اعلائی کلمه الله تلاش کنیم. و تاثیر خوبی بر روی افراد خانواده داشته باشیم از آن وقتی که درس خواندن را شروع می‌کنیم، تا آن وقتی که تبلیغ می‌کنیم، تا آن وقتی که تدریس می‌کنیم، تا آن وقتی که سمتی را در حوزه و یا در خارج از حوزه متصدی می‌شویم. تلاش و فعالیت می‌کنیم، چه فعالیت سیاسی، چه فعالیت اجتماعی، چه فعالیت علمی هدفمان باید این باشد. این، آن چیزی است که می‌تواند ما را موفق کند و سخن ما را دلنشین و مؤثر نماید. این را بایستی برای خودمان حتم و فرض بدانیم.

امیدوارم مقاله نوشته شده مورد توجه و مفید واقع گردد .
باتشکر فاطمه قنبری

منابع و مأخذ

قرآن

نوری، اعظم، طهور (عوامل تحکیم و استحکام خانواده) ص 146

رزاقی، احمد، نقش و جایگاه روحانیت و حوزه های علمیه در تقویت باورهای دینی

ره توشه تبلیغ (ویژه همایش مشهد مقدس) صاحب امتیاز: سازمان بسیج اساتید، طلاب و روحانیون کشور - مرکز اردویی

کتاب خانواده موفق (120 اصل همسر داری و تربیت فرزند) گردآوری و تنظیم: موسسه فرهنگی هنری قدر ولایت. ص 10

بیانات حجت الاسلام والمسلمین عبدالله حاجی صادقی

به پژوه، احمد، ضرورت آموزش خانواده و توجه به نقش تعلیم و تربیت

عالم زاده نوری، محمد، سیمای آرمانی طلبه، ص 35، 61

بیانات حجت الاسلام والمسلمین مصطفی ملکی

بیانات حجت الاسلام و المسلمین مهدی اقبالی

بیانات مقام معظم رهبری، تکنیک و قالب تبلیغ